

Community- based participation and ways to promote it in the Stated- welfare organization of Kermanshah province

Siavash gholipour

Associated Professor, Razi University, Kermanshah, Iran

(Corresponding author) sgholipoor@razi.ac.ir

Vakil Ahmadi

Associated Professor, Razi University, Kermanshah, Iran

v.ahmadi@razi.ac.ir

Jalil Karimi

Associated Professor, Razi University, Kermanshah, Iran

j.karimi@razi.ac.ir

Abstract:

This research evaluates the state of community-based participation in the welfare organization. The main idea is that welfare, as a service and educational institution, needs to use a community-based participation approach to be able to handle its extensive services and tasks. Because community-based participation approaches will be more qualitative, more targeted, and they can and should make optimal use of local capacities. The method of this research is triangulated (survey and swot analysis). The statistical population is welfare workers (except for security and financial departments) of Kermanshah province, which was conducted as a whole. In the qualitative section, interviews were conducted with 16 provincial managers and experts. Survey analysis was done through SPSS statistical package and qualitative method through data classification. The findings show that: the level of participation in determining programs and priorities and implementing collaborative programs is average. The knowledge of community-based participation is below average. Also, the skill and ability to produce participant content is below average. The most important obstacles to not implementing the community-based participation approach in the organization are: The non-participation of the decision-making process and its implementation, little participatory knowledge, low employee satisfaction, insufficient representation of welfare activities, neglect of new approaches to attract participation, parallel work within the organization and between supporting organizations at the provincial level, lack of evaluating of welfare programs, lack of budget for the province, because of the high amount of damage and the large number of clients, very little interaction with the university for the exchange of knowledge and experience, little attention to the expertise in the formation of non-governmental organization.

Keywords: community-based, content production, Kermanshah, participation, welfare.

مشارکت اجتماع محور و راه‌های ارتقاء آن در سازمان بهزیستی استان کرمانشاه

سیاوش قلی‌پور

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(نویسنده مسئول) sgholipour@razi.uc.ir

وکیل احمدی

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

v.ahmadi@razi.ac.ir

جلیل کریمی

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

j.karimi@razi.ac.ir

چکیده

این پژوهش به ارزیابی وضعیت مشارکت اجتماع محور در سازمان بهزیستی می‌پردازد. ایده اصلی این است که بهزیستی به عنوان نهادی خدماتی و آموزشی، نیازمند استفاده از رویکرد مشارکت اجتماع محور است تا از عهده خدمات و وظایف گسترده خود برآید؛ زیرا رویکردهای مشارکتی با کیفیت‌تر، هدف‌مندتر و ارزان‌تر خواهد بود و هم می‌تواند و بایستی از ظرفیت‌های محلی استفاده بهینه کنند. روش این پژوهش ترکیبی (پیمایش و تحلیل SWOT) است. جامعه آماری پیمایش کارکنان بهزیستی (به غیر از بخش حراست و مالی) استان کرمانشاه است که تمام‌شماری شده است. در بخش کیفی با ۱۶ نفر از مدیران و کارشناسان استانی مصاحبه شده است. تجزیه و تحلیل پیمایش از طریق بسته آماری SPSS و در روش کیفی از طریق طبقه‌بندی داده‌ها انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که: میزان مشارکت در تعیین برنامه‌ها و اولویت‌ها و اجرای برنامه‌های مشارکتی در حد متوسط است. دانش مشارکت اجتماع محور از متوسط پایین‌تر است. همچنین مهارت و توانایی تولید محتوای مشارکتی از متوسط پایین‌تر است. مهم‌ترین موانع پیاده نشدن رویکرد مشارکت اجتماع محور در سازمان عبارتند از: مشارکتی نبودن فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن، دانش مشارکتی اندک، رضایت پایین کارکنان، بازنمایی ناکافی فعالیت‌های بهزیستی، غفلت از رویکردهای نوین جلب مشارکت، موازی‌کاری درون‌سازمانی و سازمان‌های حمایت‌گر در سطح استان، عدم پایش برنامه‌های بهزیستی، کمبود بودجه برای استان با توجه به حجم بالای آسیب و تعداد زیاد مددجویان، تعامل بسیار اندک با دانشگاه جهت مبادله دانش و تجربه، توجه اندک به تخصص در تشکیل سمن‌ها

کلیدواژگان: اجتماع محور، بهزیستی، تولید محتوا، کرمانشاه، مشارکت

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه

فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۴، شماره ۲، ص ۷۸-۵۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۰۷/۲۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

اولویت و اهمیت یافتن مشارکت در برخی جوامع و به طور خاص در ایران، به ویژه در چند دهه اخیر را می‌توان از چند زاویه تحلیل کرد. دلیل اول این است که ماهیت هر جامعه و به تعبیری میزان قدرت، توسعه، پیشرفت و تعالی آن در گروه همکاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی، در همه ابعاد زندگی روزمره آن جامعه است. به عبارت دیگر، مشارکت در این معنا بر به کارگیری توان، دانش و نیروی انسانی همه مردم در قالب‌های فردی، گروهی و اجتماعی است. اگر یک جامعه بتواند به شکل اثربخشی از همه این توان‌ها در جهت تعالی بهره‌برد، امکان رشد و توسعه آن بسیار بهتر و پرشتاب‌تر خواهد بود. دلیل مهم دیگر به این مسأله برمی‌گردد که نتایج بیش از ۶ دهه برنامه‌های توسعه - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - از بالا به پایین که در آن اولویت‌ها و نیازها جامعه، شیوه‌های برطرف کردن نیازها و دستیابی به اولویت‌ها و در نهایت برنامه‌ها و اقدامات عملی برای حل مسائل و نیازها عمدتاً از بالا به پایین و به حالت دستوری بوده است. پیامدهای منفی این شکل از برنامه‌ریزی برای توسعه و تعالی جوامع به روشنی خود را نشان داده است (مرادی و افراسیابی، ۱۳۹۴).

برای مثال، از آنجا که چنین رویکردهای متمرکز بوده و کمتر به نیازها محلی توجه شده است، در اغلب موارد این برنامه‌ها با نیازها و اولویت‌های اجتماعی محلی و منطقه‌ای در تضاد و یا در بهترین حالت ناسازگار بوده است. به همین دلیل این برنامه‌ها در بسیاری از موارد منجر به مقاومت اجتماعات محلی شده و یا تضادهای زیادی را به وجود آورده است. نمونه بارز آن را می‌توان در کلان‌برنامه‌های توسعه‌ای مشاهده کرد که در مواردی بنیان اجتماعی اجتماعات محلی را بر هم زده است. به همین دلیل برنامه‌ها عمدتاً اثربخشی پایینی داشته است. از پیامدهای چنین امری می‌توان به شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، مهاجرت‌های گسترده، افزایش بیکاری، افزایش ضریب جینی و فاصله بین دهک‌های مختلف جامعه و ... نام برد (مرادی و افراسیابی، ۱۳۹۴).

پیامد دیگر برنامه‌ریزی از بالا به پایین هزینه‌بر بودن آن است. در واقع از یکسوی این برنامه‌ها ممکن است با آزمون و خطا همراه باشند و از طرف دیگر چون از دانش غنی بومی استفاده نمی‌شود، هزینه‌های اجرای هر گونه برنامه‌ای - چه اقتصادی باشد، چه اجتماعی و چه فرهنگی - افزایش می‌یابد. دیگر اینکه این برنامه‌ها عمدتاً توان و دانش محلی در برنامه‌های توسعه را نادیده انگاشته و از این رو ظرفیت‌های موجود را هدر می‌دهد. ماحصل شکل - گیری چنین وضعیتی، حرکت از پارادایم‌های توسعه‌ای از بالا به پایین و دستوری به سمت رویکردهای مشارکتی تر با همراهی و همکاری اجتماعات محلی بوده است.

با این حال، موضوع مشارکت امری بسیار پیچیده، چندوجهی و منعطف بوده و نمی‌توان از یک رویکرد و الگوی مشارکتی واحد برای هر جامعه و اجتماع محلی استفاده کرد. بسته به سطح توسعه‌یافتگی، تمایلات ذهنی و عینی برای مشارکت در جوامع، ابزارها و منابع موجود، آسیب‌های و تضادهای اجتماعی، فرهنگ اجتماعی محلی، تکثر و کثرت‌گرایی و ... باید بتوان رویکردی متناسب با آن جامعه طراحی کرد که بتواند به شکل مناسبی نیازها و اولویت‌ها را احصاء کرده و در نتیجه شیوه‌های حل مسأله را تبیین و در نهایت بسیج اجتماعی و مشارکت همگانی را برای حل آن به همراه داشته باشد.

بدین ترتیب، در برنامه‌های توسعه قبلی، جوانب مختلف زندگی بشر از جمله دانش محلی، بافت فرهنگی اجتماعی، باورها و ارزش‌ها، محیط زیست و مشارکت نادیده گرفته شده‌اند. به همین خاطر اخیراً با بحث توسعه پایدار و توسعه انسانی سعی می‌شود که در طرح‌های توسعه به طور جدی به این موارد نیز توجه کنند. یکی از این جنبه‌ها که از اهمیت زیادی برخوردار است بحث مشارکت اجتماعی است.

اداره کل بهزیستی کرمانشاه برنامه‌ها و خدمات گوناگونی برای کاهش آسیب‌ها و کمک به مددجویان دارد که نیازمند مشارکت همگانی است تا از کیفیت بهتر و مؤثرتری برخوردار شود. معاونت «پیشگیری» به دنبال پیشگیری از طلاق، اعتیاد، خودکشی، روسپیکری و معلولیت به همراه مشاوره و امور روان‌شناختی است. معاونت «اجتماعی» به دنبال حمایت از مبتلایان به اختلال هویت جنسی، شناسایی و ساماندهی کودکان کار و خیابانی، حمایت از دختران در معرض آسیب، اورژانس اجتماعی و امور کودکان و نوجوانان است. معاونت «مشارکت‌های مردمی» دارای برنامه‌های مشارکت مردمی در حوزه اشتغال و کارآفرینی، مشارکت مردمی در حوزه مسکن و دیگر مشارکت‌های مردمی است. معاونت توانبخشی برنامه‌هایی مانند توانبخشی روزانه و توانبخشی (معلولان ذهنی و حرکتی، اختلال اتیسم و ...)، مراکز توانبخشی مراقبتی و توانمندسازی معلولین (هزینه تحصیلی و درمانی، تردد، مناسب‌سازی مسکن و ...) را در دستور کار دارند.

سازمان بهزیستی کرمانشاه در حالی به اجرای این برنامه‌ها برای حمایت از افراد در معرض آسیب و مددجویان می‌پردازد که این استان به لحاظ آسیب‌های اجتماعی وضعیت مناسبی ندارد. از سال ۱۳۷۰ تا کنون یکی از چهار استان اول در زمینه خودکشی است (معاونت اجتماعی استانداری ۱۴۰۲). آمار اعتیاد و طلاق در وضعیت نامناسبی است (قلی‌پور، ۱۴۰۱). در زمینه بیکاری همواره در صدر استان‌های کشور قرار دارد. در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ وضعیت بیکاری استان کرمانشاه در مقایسه با دیگر استان‌های کشور مناسب نیست. در سال ۱۳۹۵ حدود ۲۶ درصد جمعیت فعال بالای ده سال کرمانشاه بیکار مطلق هستند (سازمان برنامه و مدیریت برنامه‌ریزی استان‌های آذربایجان غربی و اصفهان ۱۳۸۷ و ۱۳۹۸).

برنامه‌ها و طرح‌های بهزیستی متنوع و مخاطبان زیادی را پوشش می‌دهد. برای دستیابی به این مهم نیازمند مشارکت اقشار گسترده اجتماعات محلی و کنشگران درون سازمان هستیم. همچنین نیازمند استفاده و به‌کارگیری رویکردهای اجتماعی مشارکت‌محور در سطوح مختلف به ویژه کارکنان، کارشناسان و مدیران سازمان بهزیستی هستیم. افزون بر این، ضرورت دارد تا علاوه بر ارزیابی و توصیف وضعیت موجود، خلاهای مشارکتی، نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها و حتی الزامات مورد نیاز برای حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب نیز به شکل دقیقی توصیف و واکاوی شود. این مطالعه تلاش می‌کند سطوح سه‌گانه مشارکت (تعیین اولویت مسائل و مشکلات، شیوه‌های مواجهه و برنامه‌ریزی) را در میان بدنه کارشناسی سازمان و مدیران بررسی کند تا از این طریق موانع و چالش‌ها را در تمام سطوح ارزیابی و راهکار مناسب را ارائه دهد.

۱-۱- اهداف پژوهش

۱. توصیف وضعیت مشارکت اجتماع محور در سازمان بهزیستی
۲. توصیف میزان دانش و آگاهی سازمان بهزیستی از رویکردهای مشارکتی اجتماع محور
۳. شناسایی نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت اجتماع محور در سازمان بهزیستی
۴. ارائه راهکارها و برنامه‌هایی برای ارتقاء مشارکت اجتماع محور در سازمانی بهزیستی

۲-۱- سؤال‌های پژوهش

۱. وضعیت مشارکت اجتماع محور در ابعاد مختلف آن در سازمان بهزیستی چگونه است؟
۲. میزان دانش و آگاهی سازمان بهزیستی از رویکردهای مشارکتی اجتماع محور به چه میزان است؟
۳. مهم‌ترین نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت اجتماع محور در دو سطح سازمان بهزیستی چیست؟
۴. چه راهکارها و برنامه‌هایی برای ارتقاء مشارکت اجتماع محور در سازمانی بهزیستی می‌توان ارائه کرد؟

۲- چارچوب مفهومی

واژه «مشارکت»^۱ از حیث لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، مشارکت نوعی فرایند تعاملی چندسویه است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۸). پیدا کردن تعریفی از مشارکت که عمده صاحب نظران در مورد آن توافق داشته باشند، کار ساده‌ای نیست. اما می‌توان به برخی از ویژگی‌های آن اشاره کرد.

۱. مشارکت یک پدیده عینی و در عین حال ذهنی است. بدین مفهوم که مشارکت تحت تأثیر عوامل و محرک‌های بیرونی است ولی فرد مشارکت جو هنگام برخورد با این عوامل محیطی، آنها را در نزد خود ارزیابی نموده و آنگاه تصمیم به مشارکت یا عدم مشارکت می‌گیرد.

۲. مشارکت عام ولی خاص است. عام است بدین معنی که میان تمام گروه‌های انسانی به نحوی از انحاء یافت می‌شود، همچنین خاص است یعنی اینکه در هر مورد عوامل گوناگونی را در پیدایش و تشدید و تضعیف آن دخیل می‌دانند.

۳. مشارکت یک پدیده چند بعدی است و ابعاد گوناگونی دارد. از جمله بعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره.

۴. مشارکت همیشه مثبت نیست، بلکه می‌تواند منفی بوده و زمینه‌ها، ریشه‌ها و واکنش‌های منفی نیز داشته باشد، مانند مشارکت در باندهای قاچاق، فحشا و دیگر گروه‌های بزهکار اجتماعی.

۵. مشارکت یک پدیده متغیر مکانی است، یعنی در شرایط و محیط‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معانی متفاوتی پیدا می‌کند.

۶. مشارکت یک پدیده متغیر زمانی است، بدین معنی که مفهوم مشارکت از زمانی به زمان دیگر، و از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت می‌باشد (پیران، ۱۳۷۶: ۱۰).

مشارکت دارای سطوح و ابعاد مختلفی است. هر پروژه و یا برنامه‌ریزی اجتماعی ممکن است نیازمند سطح خاصی از مشارکت باشد و یا اینکه تمایل مردم برای مشارکت ممکن است تنها برخی از این سطوح را در بر بگیرد. ارنشتاین مشارکت را فرایند سهیم شدن مردم در قدرت جهت تأثیرگذاری بر رفتار دولت می‌داند (هارلبت و گاپتا، ۲۰۱۵). از نظر وی مشارکت، توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد. ارنشتاین هشت سطح مشارکت شهروندان را بر روی نردبانی موسوم به *نردبان مشارکت* از یکدیگر تفکیک می‌کند. پله‌های این نردبان عبارتند از: ۱) کنترل شهروندی (۲) قدرت تفویض شده، ۳) شراکت (۴) تسکین بخشیدن (۵) مشاوره (۶) اطلاع‌رسانی (۷) درمان (۸) دستکاری و ظاهر فریبی (گابری، ۲۰۲۰).

ارنشتاین در پایین‌ترین سطح نردبان، هیچ قدرتی برای شهروندان، متصور نیست؛ به عبارت دیگر، عدم مشارکت در دو رده خود را نشان می‌دهد که وی آنها را ظاهر فریبی و درمان می‌نامد. بر اساس نظر *ارنشتاین*، بعضی از سازمان‌های دولتی، شکل‌های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده‌اند که هدف واقعی آنها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که از قبل تکلیفش روشن شده است. در پلکان بعدی، نزدیک به پایین نردبان، شکل دیگری از عدم مشارکت، معرفی می‌شود که درمان نام گرفته است (وارول، ۲۰۲۲). این نوع عدم مشارکت، هم غیرصادقانه و هم خودخواهانه است. در اینجا، هدف پیدا کردن راه و چاره‌ای برای دیدگاه‌ها و رفتارهایی است که یک مؤسسه خودش با آنها موافق نیست، اما در زیر سرپوش نظرخواهی از شهروندان چنین چیزی را اعلام می‌کند. پله‌های دیگر این نردبان که به عنوان یک قدم اولیه مفید، توجیه شدنی است، اطلاع‌رسانی و مشاوره می‌باشد. آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در مورد برنامه‌های حکومت و حقوق و مسئولیت‌های آنان و راهکارهای موجود، به خصوص اگر طوری طراحی شده باشد که جریان اطلاعات یکسویه نباشد، گامی مثبت در جهت حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان به شمار می‌آید. (احقر و محمدی، ۱۳۹۴)

مشاوره و کسب نظر شهروندان، در صورتی که واقعی باشد، مفید است. به طور مثال، بررسی‌های نظرخواهی از شهروندان ممکن است اطلاعات واقعی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار دهد ولی اگر تنها روش مشارکت باشد، نقش زیادی در تضمین به کارگرفتن دیدگاه‌های شهروندان به طور مؤثر و جدی نخواهد داشت و شهروندان نیز فاقد این قدرت خواهند بود که ناظر به کارگیری دیدگاه‌هایشان به وسیله قدرتمندان باشند (تلما، ۲۰۲۴). تسکین‌بخشیدن و فرونشاندن خشم شهروندان، پله‌ای از نردبان مشارکت است که بر اساس آن مدلی از مشارکت ارائه می‌شود که نتیجه‌اش بهره‌مند شدن شهروندان ضعیف از سهمی است که از آن طریق خشم‌شان فرو می‌نشیند و به طور موقت تسکین می‌یابند. این مدلی رضایت‌بخش برای مشارکت واقعی به نظر نمی‌رسد. ارنشتاین، این سه پله از نردبان مشارکت را زیر عنوان مساوات‌طلبی نمایشی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، هنوز اقتدار یافتن شهروندان در مفهوم کنترل آنان بر برنامه‌ها و اجرای آن تحقق نمی‌یابد و حق تصمیم‌گیری نهایی برای صاحبان قدرت باقی می‌ماند. در بالاترین پله‌های این نردبان، شراکت، قدرت تفویض شده و کنترل شهروندی به عنوان شکل‌های واقعی‌تری از مشارکت شهروندی شناسایی و مطرح می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۹۴).

ارنشتاین مشارکت واقعی را در نردبان هشت پله‌ای خود، در بالاترین جایگاه می‌بیند. زیرا آن را نشان‌دهنده توزیع قدرتی می‌داند که از طریق مذاکره به دست می‌آید (وارول، ۲۰۲۲). اما مخالفان کنترل شهروندی بحث‌های زیادی مطرح کرده‌اند، از جمله اینکه چنین نظارتی از سوی شهروندان به طور جدی سد راه ارائه خدمات عمومی می‌شود. همچنین ممکن است هزینه‌بر و نارسا باشد و امکان سوءاستفاده را به افراد فرصت طلب بدهد. امروزه همکاری بخش عمومی، خصوصی و غیر دولتی امری مورد پسند و مطلوب به شمار می‌آید. هرچند این نردبان هشت پله‌ای از مشارکت شهروندی در واقع بیانی ساده از مفهومی بس پیچیده است، اما به روشن شدن نکته‌ای که بسیاری از افراد آن را فراموش کرده‌اند کمک می‌کند؛ و آن اینکه مشارکت شهروندان، در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، بین وارد شدن در مشارکتی تشریفاتی و ساختگی و مشارکتی که نشان‌دهنده قدرت واقعی برای اثر گذاشتن بر نتایج فرایند مشارکت است، تفاوت وجود دارد. این نکته بسیار مهمی است که باید در تمامی برنامه‌های مدیریت شهری و حکمرانی شهری مورد توجه متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت و سیاست‌گذاران قرار گیرد (احمدی، دارایی، بابالو، ۱۳۹۰).

سنخ شناسی برحسب مراحل مشارکت: البته این سنخ شناسی بیشتر برای چرخه مشارکت درمورد توسعه روستایی (کوهن، ۱۳۸۳) به کار رفته است اما به نظر می‌رسد می‌توان آن را برای انواع مشارکت نیز به کار برد.

الف- مشارکت در تصمیم‌گیری: این نوع مشارکت به طور خاص حول محور تولید فکر، تدوین و ارزیابی گزینه‌ها، انتخاب از میان آنها و نیز تدوین طرح و برنامه برای اجرای گزینه‌های منتخب حرکت می‌کند.

ب- مشارکت در اجرا: در بسیاری موارد افراد در جریان تصمیم‌گیری برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها شرکت نمی‌کنند و تصمیمات توسط نمایندگان صورت می‌گیرد، اما در مرحله اجرا مشارکت می‌کنند.

ج- مشارکت در ارزیابی: از آنجا که مطالب مکتوب اندکی در خصوص (مشارکت در ارزیابی) وجود دارد یا به ندرت چیزی به نام مشارکت در ارزیابی صورت گرفته است، تجسم این که چگونه می‌توان این نوع مشارکت را مورد ارزیابی قرار داد دشوار می‌نماید. یک نوع ارزیابی را می‌توان بررسی و نقد فعالیت مجریان طرح‌ها توسط افرادی که در این طرح‌ها شرکت نداشته‌اند، مشاهده نمود.

سنخ شناسی برحسب سیاست دولت یا نظام حاکم: الف- ضد مشارکتی: که بیشتر دیدگاهی مارکسیستی است و معتقد است که دولت در خدمت طبقه حاکم است و نیازی به توسعه و مشارکت طبقات پایین ندارد. این شیوه امروزه بیشتر درمورد نظام‌های اقتدارگرا صدق می‌کند. ب- هدایت شده: در این نوع مشارکت دولت از مشارکت با انگیزه‌های پنهانی که معمولاً منافی نیز برای دولت دارند، حمایت می‌کند. ج- فزاینده: در این شیوه از مشارکت، دولت‌ها با مشارکت‌های محلی مخالفت نمی‌کنند ولی در فراهم کردن امکانات و پشتوانه‌های لازم برای این کار کوتاهی می‌کند. د- مشارکت واقعی: که متضمن حمایت کامل دولت از مشارکت اجتماعی است. همچنین لزوم واگذاری قدرت در این نوع مشارکت مورد تأکید قرار گرفته است.

هر چند نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در مورد مشارکت در جهان وجود دارد که ابعاد مختلفی از مشارکت در اجتماعات محلی را معرفی می‌کنند، اما این رویکردها دارای نقاط مشترک فراوانی هستند که می‌توان به مواردی همچون شمولیت و فراگیری این برنامه‌ها، مفاهیمی مثل بسیج اجتماعی و همچنین اعتقاد به اینکه اجتماعات محلی از توان و دانش کافی برای اجرای این برنامه‌ها برخوردار هستند، وجود دارد. به این دلیل به نظر می‌رسد اجماع

نسبی و مناسبی در رابطه با ضرورت‌ها و شیوه‌های اجرای رویکردهای مشارکتی وجود دارد. اما مسأله اصلی این است که جوامع مختلف، تفاوت‌های زیادی با هم دارند و از این رو نمی‌توان یک برنامه یکسان و یک شکل را برای همه اجتماعات محلی به کار برد.

مبنای اصلی برای یک برنامه مشارکتی را تحلیل دقیق وضعیت موجود می‌دانند که در آن بایستی علاوه بر مسائل، مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های موجود، بتوان راهکارهای اصلی برای برون رفت از مسائل را هم اخذ کرد. در همین زمینه است که موضوعاتی همچون پژوهش حاضر موضوعیت پیدا می‌کند که باید بتواند علاوه بر شناسایی وضعیت موجود، راهکارهایی عملیاتی برای خروج از آن و حرکت به سمت وضعیت مطلوب ارائه دهد. برنامه‌هایی همچون توانمندسازی، حمایت‌گیری، بسیج اجتماعی، ظرفیت‌سازی و ... همگی موضوعاتی هستند که ما را از هست‌ها به سمت باید‌ها رهنمود می‌کنند و ابزارهایی برای تقویت رویکردهای مشارکتی به ما ارائه می‌دهند. همه این محورهای در بحث‌های بالا مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه تلاش خواهیم کرد تا به ارزیابی پیشینه پژوهش در این زمینه بپردازیم.

۳- روش پژوهش

روش بررسی این مطالعه ترکیبی^۱ از روش کمی (پیمایش) و کیفی (تحلیل SWOT) است. در روش پیمایش متغیرهای جمعیتی، مشارکت در تعیین برنامه‌ها و اولویت‌ها، روش‌های تعیین برنامه‌ها و اولویت‌ها، دانش مشارکتی (آشنایی با ابزارها و مهارت به کارگیری آنها، تولید محتوا)، تمایل به مشارکت، توانایی مشارکت و مشارکت واقعی عملیاتی و سنجش شدند. فن گردآوری داده در روش کیفی نیز مصاحبه بود.

۳-۱- جامعه آماری در بخش کمی و جامعه هدف در بخش کیفی: جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه کارکنان بهزیستی استان کرمانشاه از قبیل اداره کل و سازمان بهزیستی ۱۴ شهرستان به همراه اورژانس اجتماعی جامعه آماری پژوهش هستند. از آنجا که کارکنان اداره حراست و بخش مالی و حسابداری ارتباط چندانی با بحث مشارکت اجتماع‌محور نداشتند از دایره پژوهش خارج شدند و بقیه افراد به طور تمام‌شماری در این پژوهش جای گرفتند. جامعه هدف پژوهش کیفی شامل تمام افرادی است که تجارب ارزنده و دانش انباشته‌ای در زمینه مشارکت اجتماع‌محور در حوزه فعالیت‌های بهزیستی دارند. شیوه نمونه‌گیری این افراد نظری است. مصاحبه با افراد تا جایی ادامه خواهد یافت که به اشباع نظری برسیم. با توجه به داده‌های جدول ۱، با ۱۵ نفر مصاحبه انجام گرفت.

برای انتخاب این افراد چند معیار را در نظر گرفته‌ایم. اول اینکه وظیفه شغلی آنان ارتباط نزدیکی با اجتماعات محلی، سمن‌ها و برنامه‌های اجتماع‌محور داشته باشد. دوم اینکه از تجربه مدیریتی کافی برخوردار باشند و رویکردها، برنامه‌ها و سیاست‌های بهزیستی را به درستی بشناسند و در نهایت با رویکردهای مشارکتی آشنا باشند.

^۱ این روش به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است: «عملیات‌سازی چندگانه» (وب، ۱۹۶۶)، «استراتژی مختلط» (داگلاس، ۱۹۷۹).

جدول ۱. ویژگی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	شغل	تحصیلات	سابقه شغلی	آشنایی با مشارکت اجتماع محور	تجربه فعالیت مشارکت اجتماع محور	مدت زمان مصاحبه (دقیقه)
P1	مرد	معاون اجتماعی اداره کل بهزیستی استان	دکتری روانشناسی	۲۷	زیاد	بالغ بر ۲۰ سال	۵۷
P2	خانم	کارشناس پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اداره کل بهزیستی استان	دکتری روانشناسی	۲۰	زیاد	بالغ بر ۱۵ سال	۳۰
P3	مرد	معاون پیشگیری اداره کل بهزیستی استان	دکتری روانشناسی	16	زیاد	بالغ بر ۱۵ سال	۸۰
P4	خانم	کارشناس آسیب‌های اجتماعی اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۲۵	زیاد	بالغ بر ۲۰ سال	۴۰
P5	مرد	معاون نیروی انسانی اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۴	متوسط	۳ سال	۵۰
P6	مرد	معاون مشارکت‌های اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه	کارشناس روانشناسی ارشد	۲۵	زیاد	بالغ بر ۲۰ سال	۷۰
P7	زن	کارشناس پیشگیری از آسیب‌های اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۲۵	زیاد	بالغ بر ۲۰ سال	۴۵
P8	زن	کارشناس نیروی انسانی اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۲۰	متوسط	بالغ بر ۱۵ سال	۴۵
P9	مرد	کارشناس آسیب‌های اداره کل بهزیستی استان	کارشناس ارشد جامعه‌شناسی	۳۴	زیاد	بالغ بر ۲۵ سال	۶۰
P10	زن	کارشناس پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اداره کل بهزیستی استان	دکتری روانشناسی	۱۸	زیاد	بالغ بر ۱۵ سال	۴۵
P11	مرد	معاون بهزیستی شهرستان	کارشناس روانشناسی ارشد	۱۵	زیاد	بالغ بر ۱۰ سال	۶۰
P12	زن	کارشناس پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۱۶	زیاد	بالغ بر ۱۲ سال	۳۰
P13	مرد	مدیر	کارشناس روانشناسی ارشد	۱۰	زیاد	۳ سال	۳۵
P14	زن	کارشناس اداره کل بهزیستی استان	کارشناس روانشناسی ارشد	۱۴	زیاد	بالغ بر ۱۸ سال	۴۵
P15	مرد	مدیر بازنشسته شهرستان	دکتری روانشناسی	۳۰	زیاد	بالغ بر ۲۵ سال	۵۰

برای ضبط صدای مصاحبه از تمام مصاحبه‌شوندگان اجازه گرفته شد. خوشبختانه همه این افراد با این امر موافقت کردند. از این رو متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

۳-۲- **فنون تحلیل داده‌ها:** بخش کمی از آماره‌های توصیفی و در بخش کیفی از فنون سازمان‌دهی داده استفاده شد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- سیمای پاسخگویان

۴-۱-۱- **جنس:** از میان پاسخگویان ۱۷۲ نفر یا ۶۳/۷ درصد زن و ۹۲ نفر یا ۳۴/۱ درصد مرد هستند.

جدول ۲. تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد معتبر
زن	۱۷۲	۶۵/۲
مرد	۹۲	۳۴/۸
کل	۲۶۴	۱۰۰

۴-۱-۲- **تحصیلات:** از میان ۲۶۳ نفر پاسخگو ۶ نفر (۲/۲ درصد) دیپلم، ۹ نفر (۳/۴ درصد) فوق دیپلم، ۱۰۹ نفر (۴۱/۴ درصد) لیسانس، ۱۲۷ نفر (۴۸/۳ درصد) فوق لیسانس، ۱۲ نفر (۴/۴ درصد) دکتری هستند.

جدول ۳. تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب تحصیلات

جنس	فراوانی	درصد معتبر
دیپلم	۶	۲/۲
فوق دیپلم	۹	۳/۴
کارشناسی	۱۰۹	۴۱/۴
کارشناسی ارشد	۱۲۷	۴۸/۳
دکتری	۱۲	۴/۴
کل	۲۶۳	۱۰۰

۴-۱-۳- **رشته تحصیلی:** ۱۵۸ نفر (۶۳/۱ درصد) رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، ۶ نفر (۲/۴ درصد) بهداشت و درمان، ۱۲ نفر (۶ درصد) فنی مهندسی و ریاضی، ۴۱ نفر (۱۶/۵ درصد) علوم اجتماعی و مددکاری و ۳۰ نفر (۱۲ درصد) علوم انسانی و حقوق هستند.

جدول ۴. تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد معتبر
روانشناسی و علوم تربیتی	۱۵۸	۶۳/۱
بهداشت و درمان	۶	۲/۴
فنی مهندسی و ریاضی	۱۲	۶
علوم اجتماعی و مددکاری	۴۱	۱۶/۵
علوم انسانی و حقوق	۳۰	۱۲
کل	۱۴۹	۱۰۰

۴-۱-۴- سن: پایین ترین سن ۲۵ و بالاترین ۶۳ سال و میانگین سن ۴۱/۸ سال است.

۴-۱-۵- سابقه شغلی: کمترین سابقه شغلی ۱ سال و بیشترین ۳۴ سال است. میانگین سابقه شغلی نیز ۱۵/۷ سال است.

۴-۲- مشارکت در تعیین برنامه ها و اولویت ها و اجرای آن: نقش کارمندان بهزیستی در تعیین برنامه ها و اولویت ها رضایت بخش نیست. ۱۵/۷ درصد اصلاً، ۱۸/۳ خیلی کم، ۱۷/۲ درصد کم، ۳۵/۸ درصد متوسط، ۱۱/۲ درصد زیاد و ۱/۹ درصد نقش خیلی زیادی برای خویش قائل هستند. نقش کارمندان در اجرای برنامه های مشارکت محور اجتماع محلی نیز رضایت بخش نیست. ۱۵/۲ درصد اصلاً، ۱۷/۸ درصد خیلی کم، ۱۹/۳ درصد کم، ۲۹ درصد متوسط، ۱۷/۱ درصد زیاد و ۱/۵ درصد نقش خود را خیلی زیاد ارزیابی کرده اند.

۴-۳- روش های تعیین برنامه ها و اولویت ها: به دلیل این که کارمندان نقش زیادی در تعیین برنامه ها و اولویت ها ندارند میزان به کارگیری ابزارهای لازم نیز به همان اندازه اندک است. در مورد ابزار پیمایش ۱۵/۲ درصد اصلاً، ۲۵/۴ خیلی کم، ۲۴/۲ کم، ۲۶/۶ متوسط، ۶/۶ زیاد و ۲ درصد خیلی زیاد استفاده کرده اند. در مورد نظرسنجی های حضوری ۱۲/۵ درصد اصلاً، ۲۲ درصد خیلی کم، ۲۷/۵ درصد کم، ۲۵/۵ درصد متوسط، ۱۱/۸ درصد زیاد و کمتر از یک درصد خیلی زیاد را گزارش کردند. در مورد مصاحبه ۱۴/۲ درصد اصلاً، ۲۲/۴ درصد خیلی کم، ۱۷/۲ درصد کم، ۲۵/۶ درصد متوسط، ۹/۴ درصد زیاد و ۱/۲ درصد خیلی زیاد را گزارش کردند. در مورد داده های میدانی تولید شده به وسیله مؤسسات ۱۶/۳ درصد اصلاً، ۱۸/۷ درصد خیلی کم، ۲۵/۴ درصد کم، ۲۵ درصد متوسط، ۱۳/۱ درصد زیاد، ۱/۶ درصد خیلی زیاد گزارش کردند. در مورد جلسات هم اندیشی و طوفان فکری ۱۳ درصد اصلاً، ۲۱/۱ درصد خیلی کم، ۲۴/۳ درصد متوسط، ۱۰/۵ درصد زیاد و ۲/۴ درصد زیاد گزارش کرده اند.

۴-۴- جایگاه رویکرد دانش مشارکت اجتماع محور

۴-۴-۱- اعتقاد کارمندان بهزیستی به اجرای برنامه های مشارکت محور برای حل مسائل شهر: بالغ بر ۸۳ درصد کارکنان بهزیستی رویکرد مشارکتی اجتماع محور را راه حل مناسبی برای حل مشکلات شهر می دانند. ۴ درصد اصلاً، ۱۰ درصد خیلی کم، ۶/۹ درصد کم، ۲۴/۹ درصد متوسط، ۴۴/۱ درصد زیاد و ۱۳/۸ درصد خیلی

زیاد ارزیابی کردند. با این که این داده‌ها بیانگر باور کارکنان بهزیستی به این رویکرد است اما همچنان ۱۳ درصد چنین باوری ندارند

۴-۲-۴-۲- اعتقاد مدیران ارشد بهزیستی (در سطح استان) به برنامه‌های مشارکت محور از نظر کارکنان بهزیستی: بالغ بر ۸۳ درصد مدیران بهزیستی در سطح استان اعتقاد به رویکردهای مشارکت اجتماع محور را متوسط رو به بالا ارزیابی کردند. ۷ درصد اصلاً، ۶/۵ درصد خیلی کم، ۹/۹ درصد کم، ۳۶/۳ درصد متوسط، ۳۶/۳ درصد زیاد و ۱۰/۳ درصد خیلی زیاد ارزیابی کردند. با این که این داده‌ها بیانگر باور کارکنان بهزیستی به این رویکرد است اما همچنان ۱۳ درصد چنین باوری ندارند

۴-۳-۴-۳- دانش مشارکتی کارکنان بهزیستی: کارکنان بهزیستی دانش مشارکت اجتماع محور را متوسط ارزیابی کردند. ۶ درصد اصلاً، ۱۸/۵ درصد کم، ۵۸/۹ درصد متوسط، ۱۴/۵ درصد زیاد و ۲ درصد خیلی زیاد ارزیابی کردند.

۴-۴-۴-۴- شرکت در کارگاه‌های آموزشی مشارکت اجتماع محور: ۲۸/۵ درصد در کارگاه شرکت کردند و ۷۱/۵ درصد تا کنون در هیچ کارگاهی در این زمینه شرکت نکردند. تعداد کارگاه‌های برگزار شده مشارکت اجتماع محور اندک و شرکت کنندگان نیز ناامید کننده است. ۵ نفر در کارگاه مهارت هدایت پروژه‌های اجتماعی، ۸ نفر در کارگاه رویکرد اجتماع محور محلات، ۱ نفر در کارگاه سلامت محور، ۳ نفر در کارگاه اشتغالزایی، ۱ نفر در کارگاه توانبخشی مبتنی بر جامعه، ۱ نفر در کارگاه هم اندیشی اداری، ۲ نفر در کارگاه مشارکت گیری محلات، ۶ نفر در کارگاه مددکاری، ۱ نفر در کارگاه تسهیل گری، ۳ نفر در کارگاه پیشگیری از اعتیاد، ۲ نفر در کارگاه پویش خانه گرم و ۱ نفر در سازمان و انجمن مردم نهاد شرکت کرده اند. این کارگاه‌ها گاهی چنان از زمان برگزاری آنها می‌گذرد که برخی از کارمندان شرکت کننده بازنشست شده‌اند. کیفیت کارگاه‌ها متوسط رو به بالا است. ۵/۷ درصد خیلی پایین، ۲۱/۴ درصد پایین، ۴۱/۵ درصد متوسط، ۲۵/۹ درصد بالا و ۲/۵ درصد خیلی زیاد ارزیابی کردند. جالب توجه است که برخی افراد با این که در کارگاه شرکت نکرده اند اما در باره کیفیت آن اظهار نظر کردند.

۴-۴-۵- تمایل به برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشارکت محور: کارکنان بهزیستی تمایل زیادی به برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشارکتی اجتماع محور دارند. ۲/۵ درصد اصلاً، ۵/۵ درصد خیلی کم، ۵/۵ درصد کم، ۳۴/۳ درصد متوسط، ۴۵/۸ درصد زیاد و ۶/۴ درصد خیلی زیاد ارزیابی کردند. نکته حائز اهمیت این است که ۱۲/۵ درصد پاسخگویان تمایلی به برگزاری این کارگاه‌ها ندارند که برای بهزیستی حیاتی است.

۴-۵-۵- مهارت به کارگیری شیوه‌های مشارکت اجتماع محور

۴-۵-۱- حمایت گری اجتماعی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی حمایت گری اجتماعی ۲۹/۷ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۹/۹ درصد خیلی کم، ۳۲/۹ درصد کم، ۴۳/۷ درصد متوسط، ۱۲/۷ درصد زیاد و ۰/۹ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان نیز استفاده سازمان از این مهارت ۱۷/۳ درصد خیلی کم، ۴۵ درصد خیلی کم، ۳۳/۲ درصد متوسط و ۴/۵ درصد زیاد است.

۴-۵-۲- شیوه‌های راه‌اندازی بسیج اجتماعی: میزان آشنایی کارکنان به شیوه‌های راه‌اندازی بسیج اجتماعی ۱۶/۲ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۱/۹ درصد خیلی کم، ۴۴/۸ درصد کم، ۳۲/۸ درصد متوسط، ۱۰ درصد زیاد و ۰/۵ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۲/۱ درصد خیلی کم، ۴۵/۶ درصد خیلی کم، ۲۷/۷ درصد متوسط و ۴/۶ درصد زیاد است.

۴-۵-۳- شیوه‌های راه‌اندازی و مدیریت پویش‌ها و پیکارهای اجتماعی: ۱۹/۵ درصد در این نوع کلاس‌ها شرکت کردند است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۰/۸ درصد خیلی کم، ۴۰/۲ درصد کم، ۳۴/۸ درصد متوسط، ۱۳/۷ درصد زیاد و ۰/۵ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۱۹/۵ درصد خیلی کم، ۴۶/۷ درصد خیلی کم، ۲۸/۷ درصد متوسط و ۵/۱ درصد زیاد است.

۴-۵-۴- ظرفیت‌سازی اجتماعی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی ظرفیت‌سازی اجتماعی ۱۴/۴ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۲/۲ درصد خیلی کم، ۳۹/۱ درصد کم، ۳۳/۵ درصد متوسط، ۱۴/۲ درصد زیاد و ۱ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۱۸/۹ درصد خیلی کم، ۴۸/۴ درصد خیلی کم، ۲۶/۳ درصد متوسط و ۶/۳ درصد زیاد است.

۴-۵-۵- برگزاری و مدیریت کارگاه‌های آموزشی و مهارتی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی برگزاری و مدیریت کارگاه‌های آموزشی و مهارتی ۳۳/۶ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۸/۲ درصد خیلی کم، ۳۲/۷ درصد کم، ۳۸/۸ درصد متوسط، ۱۸/۴ درصد زیاد و ۲ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۰/۳ درصد خیلی کم، ۴۰/۶ درصد خیلی کم، ۲۷/۸ درصد متوسط و ۱۰/۷ درصد زیاد و ۰/۵ درصد خیلی زیاد است.

۴-۵-۶- برگزاری همایش، نشست و سخنرانی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی برگزاری همایش، نشست و سخنرانی ۳۰/۵ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۹/۴ درصد خیلی کم، ۳۸/۷ درصد کم، ۳۶/۱ درصد متوسط، ۱۲/۶ درصد زیاد و ۳/۱ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۱۹/۴ درصد خیلی کم، ۴۷/۸ درصد خیلی کم، ۲۴/۴ درصد متوسط و ۷/۸ درصد زیاد و ۰/۶ درصد خیلی زیاد است.

۴-۵-۷- اجرای طرح‌های نظرسنجی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی برگزاری نظرسنجی ۲۱/۹ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۲/۴ درصد خیلی کم، ۳۹/۸ درصد کم، ۳۴/۹ درصد متوسط، ۱۱/۸ درصد زیاد و ۱/۱ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۲/۷ درصد خیلی کم، ۴۴/۸ درصد خیلی کم، ۲۶/۵ درصد متوسط و ۶/۱ درصد زیاد است.

۴-۵-۸- تحلیل‌های آماری spss: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی تحلیل آماری ۲۶/۶ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۳/۵ درصد خیلی کم، ۴۱/۵ درصد کم، ۳۳ درصد متوسط، ۹/۵ درصد زیاد و ۲/۵ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۶/۶ درصد خیلی کم، ۴۴/۱ درصد خیلی کم، ۲۲/۹ درصد متوسط و ۴/۸ درصد زیاد و ۱/۶ درصد خیلی زیاد است.

۴-۵-۹- گزارش نویسی برنامه‌های مشارکتی: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی تحلیل آماری ۳۰/۳ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۰/۶ درصد خیلی کم، ۳۷/۴ درصد کم، ۳۷/۴ درصد متوسط، ۱۲/۱ درصد زیاد و ۲/۵ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۳/۷ درصد خیلی کم، ۴۱/۶ درصد خیلی کم، ۲۴/۷ درصد متوسط و ۸/۹ درصد زیاد و ۱/۱ درصد خیلی زیاد است.

۴-۵-۱۰- نگارش گزارش‌های تحلیل وضعیت: میزان شرکت کارکنان در کلاس‌های آموزشی تحلیل آماری ۲۶/۳ درصد است. میزان این مهارت نزد پاسخگویان ۱۳/۴ درصد خیلی کم، ۳۸/۱ درصد کم، ۳۴/۷ درصد متوسط، ۱۰/۹ درصد زیاد و ۳ درصد خیلی زیاد است. از نظر آنان میزان استفاده سازمان از این مهارت ۲۴/۳ درصد خیلی کم، ۴۳/۹ درصد خیلی کم، ۲۳/۳ درصد متوسط و ۶/۳ درصد زیاد و ۱/۶ درصد خیلی زیاد است.

۴-۶- توانایی تولید محتوا

رویکرد مشارکت اجتماع محور نیازمند مهارت‌های گوناگون تولید محتواست، زیرا مداخله در اجتماع محلی از طریق این مهارت‌ها ممکن می‌شود. کارکنان بهزیستی با داشتن این مهارت‌ها، در استقرار این رویکرد مؤثر هستند و توانایی ارزیابی پیکارها، پوشش‌ها و بسیج اجتماعی مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان را دارند. میزان شرکت افراد در کلاس‌های گوناگون تولید محتوی و مهارت آنان در این زمینه اندک است. ۱۹.۹ درصد پاسخگویان در کلاس‌های تهیه پوستر و بنر شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۴.۸ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۷.۶ درصد کم، ۳۲.۵ درصد متوسط، ۴.۹ درصد زیاد است. ۱۳.۴ درصد پاسخگویان در کلاس‌های تهیه کلیپ شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۶.۷ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۷.۴ درصد کم، ۳۰.۸ درصد متوسط، ۴.۶ درصد زیاد و ۰.۵ درصد خیلی زیاد است. ۱۲ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی مدیریت شبکه‌های اجتماعی مجازی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۷ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۷.۲ درصد کم، ۲۷ درصد متوسط، ۶.۱ درصد زیاد و ۲.۶ درصد خیلی زیاد است. ۱۱.۱ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی تولید محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۳۰.۲ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۹.۱ درصد کم، ۲۳.۴ درصد متوسط، ۶.۸ درصد زیاد و ۰.۵ درصد خیلی زیاد است.

جدول ۵. تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب شرکت در دوره‌های آموزشی و میزان مهارت آنها در تولید محتواهای

گوناگون

تعداد	میزان مهارت شما در این زمینه					تعداد	دوره آموزشی		موضوعات مهارتی
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً و خیلی کم		زیاد	کم	
۲۰۶	۰	۴.۹	۳۲.۵	۳۷.۶	۲۴.۸	۲۴۶	۸۰.۱	۱۹.۹	تهیه پوستر و بنر
۱۹۵	۰.۵	۴.۶	۳۰.۸	۳۷.۴	۲۶.۷	۲۳۸	۸۶.۶	۱۳.۴	تهیه کلیپ

۱۹۶	۲.۶	۶.۱	۲۷	۳۷.۲	۲۷	۲۳۳	۸۸	۱۲	مدیریت شبکه‌های اجتماعی مجازی	۳
۱۹۲	۰.۵	۶.۸	۲۳.۴	۳۹.۱	۳۰.۲	۲۳۵	۸۸.۹	۱۱.۱	تولید محتوای شبکه‌های اجتماعی	۴
۱۹۸	۰.۴	۳.۵	۲۰.۲	۴۳.۹	۳۱.۸	۲۳۵	۸۹.۸	۱۰.۲	تولید اینفوگرافی	۵
۱۹۵	۲.۶	۸.۷	۳۱.۳	۳۰.۸	۲۶.۷	۲۴۱	۷۹.۳	۲۰.۷	تهیه بروشور	۶
۱۹۰	۲.۱	۷.۳	۲۵	۳۸.۵	۲۶	۲۳۸	۸۵.۷	۱۴.۳	تهیه کتابچه‌های آموزشی	۷
۱۹۷	۴	۱۶.۲	۳۲.۳	۲۷.۳	۱۹.۲	۲۳۷	۷۴.۳	۲۵.۷	شیوه‌های جستجوی اینترنتی برای یافتن محتواهای مورد نیاز	۸
۲۰۵	۳.۹	۱۷.۱	۴۱.۵	۲۲.۴	۱۵.۱	۲۴۴	۵۴.۱	۴۵.۹	دوره مهارتی ICDL	۹
۱۹۴	۲.۱	۵.۷	۲۳.۲	۴۲.۳	۲۶.۸	۲۳۲	۸۷.۷	۱۱.۱	آرشیوگذاری محتواهای دیجیتال	۱۰

۱۰.۲ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی تولید اینفوگرافی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۳۱.۸ درصد اصلاً و خیلی کم، ۴۳.۹ درصد کم، ۲۰.۲ درصد متوسط، ۳.۵ درصد زیاد و ۰.۴ درصد خیلی زیاد است. ۲۰.۷ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی تهیه بروشور شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۶.۷ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۰.۸ درصد کم، ۳۱.۳ درصد متوسط، ۸.۷ درصد زیاد و ۲.۶ درصد خیلی زیاد است. ۱۴.۳ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی تهیه کتابچه‌های آموزشی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۶ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۸.۵ درصد کم، ۲۵ درصد متوسط، ۷.۳ درصد زیاد و ۲.۱ درصد خیلی زیاد است.

۲۵.۷ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی شیوه‌های جستجوی اینترنتی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۱۹.۲ درصد اصلاً و خیلی کم، ۲۷.۳ درصد کم، ۳۲.۳ درصد متوسط، ۱۶.۲ درصد زیاد و ۴ درصد خیلی زیاد است. ۱۴.۳ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی تهیه کتابچه‌های آموزشی شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۶ درصد اصلاً و خیلی کم، ۳۸.۵ درصد کم، ۲۵ درصد متوسط، ۷.۳ درصد زیاد و ۲.۱ درصد خیلی زیاد است. ۴۵.۹ درصد پاسخگویان در کلاس‌های مهارتی ICDL شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۱۵.۱ درصد اصلاً و خیلی کم، ۲۲.۴ درصد کم، ۴۱.۵ درصد متوسط، ۱۷.۱ درصد زیاد و ۳.۹ درصد خیلی زیاد است. ۱۱.۱ درصد پاسخگویان در کلاس‌های آموزشی آرشیوگذاری محتواهای دیجیتال شرکت کردند. میزان مهارت پاسخگویان در این زمینه ۲۶.۸ درصد اصلاً و خیلی کم، ۴۲.۳ درصد کم، ۲۳.۲ درصد متوسط، ۵.۷ درصد زیاد و ۲.۱ درصد خیلی زیاد است.

۴-۷- اجرای برنامه‌های مشارکتی اجتماع محور

کارمندان بهزیستی تا حد متوسطی از دیدگاه مؤسسات غیردولتی وابسته به بهزیستی برای اجرای برنامه‌های مشارکتی اجتماع محور کمک می‌گیرند. ۶/۱ درصد اصلاً، ۱۷/۹ درصد خیلی کم، ۱۸/۳ درصد کم، ۴۰/۳ درصد متوسط، ۱۵/۶ درصد زیاد و ۱/۹ درصد خیلی زیاد از دیدگاه مؤسسات غیردولتی وابسته به بهزیستی کمک گرفتند. **تمایل** مؤسسات غیردولتی وابسته به بهزیستی برای مشارکت اجتماع محور از نظر کارمندان بهزیستی متوسط است. ۸. در صد اصلاً، ۱۳/۴ درصد خیلی کم، ۱۴/۱ درصد کم، ۴۳/۵ درصد متوسط، ۲۴/۴ درصد زیاد و ۳/۸ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. **توانمندی** مؤسسات غیردولتی وابسته به بهزیستی برای مشارکت اجتماع محور از نظر کارمندان بهزیستی متوسط است. ۱/۱ در صد اصلاً، ۱۰/۱ درصد خیلی کم، ۲۱/۳ درصد کم، ۴۴/۲ درصد متوسط، ۱۹/۱ درصد زیاد و ۴/۱ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. **توانمندی** مردم و اجتماعات محلی برای مشارکت اجتماع محور از نظر کارمندان بهزیستی کمتر از مؤسسات وابسته به بهزیستی است. ۷. درصد اصلاً، ۱۸/۴ درصد خیلی کم، ۲۲/۱ درصد کم، ۳۳/۳ درصد متوسط، ۲۲/۱ درصد زیاد و ۳-۴ درصد خیلی زیاد گزارش کرده‌اند.

۴-۸- نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها

داده‌های ما روندها و وضعیت‌های متفاوتی در رابطه با اجرای برنامه‌های مشارکت اجتماع محور بهزیستی را نشان داد. این داده‌ها نشان می‌دهد با وجودی که ساختار بهزیستی به عنوان یک سازمان آموزشی و خدماتی ظرفیت‌های زیادی برای کمک به افراد حاشیه‌ای، کاهش آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی اجتماعات محلی با تأکید بر محلات کمتر برخوردار دارد، اما هنوز نتوانسته است به یک ثبات استراتژیک در رابطه با رویکردهایی که باید به کار برسد، دست بیابد. در همین زمینه نتایج مربوط به مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های بخش کمی باعث شکل‌گیری تحلیل SWOT شده است که در ادامه هر چهار بعد آن -نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها- ارائه شده است.

جدول ۶. نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها سازمان بهزیستی در استان کرمانشاه

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> - ساختار مشارکتی دارد. - در حوزه اعتیاد مشارکت اجتماع محور مناسب است. - خدمات رسانی به گروه‌های خاص - تجارب مثبت مراکز سلامت - واگذاری فعالیت‌های بهزیستی به مراکز مثبت و مؤسسات 	<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت مشارکت محور اندک است. - پایداری رویکرد بوروکراتیک در برخی دواير سازمان بهزیستی - نگاه صوری مدیران به مشارکت - نگاه سیاسی به بهزیستی با جابجایی مدیران - تفوق نگاه جهادی به جای نگاه مشارکتی - موازی کاری در درون خود بهزیستی - آشنایی ناکافی و درخور با دانش مشارکتی در بهزیستی - عدم انتقال دانش مشارکتی به نسل بعد - بازنمایی اندک بهزیستی از فعالیت‌های خویش (روابط عمومی ضعیف) - برعهده گرفتن خدمات و وظایفی بیشتر از توان بهزیستی (۵۰ خدمت و ۲۰۰ زیر عنوان)

- دستمزد پایین کارکنان بهزیستی نسبت به ارگان های دیگر - گزارش نویسی و صورتی سازی اقدامات	
تهدیدها	فرصت‌ها
- آشنا نبودن دیگر ارگان‌ها با مشارکت - موازی کاری نهادهای حمایت کننده (کمیتہ امداد، ستاد فرمان امام، بنیاد برکت و ...)) - عدم تثبیت بهزیستی در دستگاه سیاسی کشور - تخصیص ناکافی منابع برای فعالیت های بهزیستی - عدم هماهنگی دیگر نهادهای استان با فعالیت های بهزیستی - عدم آشنایی استانداری با مشارکت اجتماع محور - ساختار استخدامی بهزیستی متناسب نیست - دانشگاه‌ها نیروی متخصص در حوزه بهزیستی تربیت نمی‌کنند - آشنا نبودن مردم با فعالیت های بهزیستی - عدم آگاهی رسانه‌ها با مشارکت اجتماع محور - مردم و اجتماعات محلی با رویکرد مشارکتی آشنا نیستند. - فقدان حوزه عمومی و عدم شکل‌گیری گفتگوی میان مردم و دولت - سرمایه اجتماعی اندک در اجتماعات هدف - یکدست نبودن جوامع محلی - تابوشدگی برخی آسیب‌های اجتماعی	- در اجتماعات محلی ظرفیت‌های زیادی برای مشارکت دارد - ظرفیت بالا برای مشارکت

۵- نتیجه‌گیری

استان کرمانشاه دارای آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. افزون بر این، مددجویان زیادی دارد. بنابراین سازمان بهزیستی در استان وظایف سنگینی بر عهده دارد و منابع مالی و بودجه‌ها برای محقق شدن اهداف آن کافی نیست. استقرار رویکرد مشارکت اجتماع محور یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای ارائه خدمات بهتر، مداخلات اثربخش و سپردن برخی امور به دست اجتماع محلی است. ساختار سازمان بهزیستی برای این کار مناسب است، اما مشکلاتی نیز دارد. مشارکت در ساختار بهزیستی دارای سه سطح سازمانی، مؤسسات و سمن‌ها و اجتماعی محلی است. این سه سطح از طریق رویکرد مشارکت اجتماع محور می‌توانند در یک فرایند هم‌افزا اثربخشی سازمان بهزیستی را بیشتر کنند. هر کدام از این سطوح جوانب زیادی دارد که نیازمند بررسی تجربی است.

در سازمان بهزیستی هنوز بخش زیادی از تصمیم‌گیری و تعیین اولویت‌ها از بالا به پایین است و این یک مشکل اساسی است. کارکنان سازمان با ابزارها و روش‌های تعیین اولویت آشنایی لازم را ندارند. جایگاه دانش مشارکتی در سازمان در وضعیت مناسبی نیست. با اینکه غالب پاسخگویان بر این باورند که رویکرد مشارکتی مفید و مؤثر است، اما در کارگاه‌های مشارکتی حضور کم‌رنجی داشته‌اند. میزان مهارت کارکنان در به کارگیری شیوه‌های مشارکت اجتماع محور متوسط رو به پایین است و با شرایط مطلوب فاصله دارد. توانایی تولید محتوای مشارکتی کارکنان در وضعیت رضایت‌بخشی نیست. کارکنان بهزیستی تمایل به مشارکت، توانمندی و مشارکت واقعی اجتماع محلی را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

با اینکه بهزیستی دارای ساختار مشارکتی است، اما برخی مدیران سطوح مختلف با این رویکرد آشنا نیستند و همچنان دارای نگاه از بالا به پایین هستند. در واقع رویکرد بوروکراتیک در سازمان همچنان پایدار است. در درون سازمان موازی کاری وجود دارد. دواير داخلی نهادها به موازات هم فعالیت های مشترک دارند که تعارض نقش به وجود می آورند. افزون بر این، موازی کاری فزاینده‌ای در میان سازمان‌های گوناگونی وجود دارد که مانعی برای فعالیت‌های بهزیستی در اجتماع محلی است. زیرا حضور متناوب این نهادها سبب خسته شدن رهبران فکری و مردم عادی و کاهش اعتماد اجتماعی می‌شود. همچنین، سازمان بهزیستی حوزه فعالیت خویش را بسیار گسترده کرده است، به نحوی که گاهی برشمردن وظایف اصلی و جزئی آن دشوار است. چنین دایره گسترده‌ای به همراه بودجه اندک به اثربخشی برنامه‌ها صدمه جدی می‌زند. از سوی دیگر، بهزیستی توان بازنمایی فعالیت‌های خویش را ندارد و بیشتر مردم با وظایف آن آشنا نیستند.

سازمان بهزیستی برای استقرار رویکرد مشارکتی، نیازمند نیروهای متخصصی است که با بسیج اجتماعی، پیکار اجتماعی، بازاریابی اجتماعی، پویش اجتماعی و امثالهم آشنا باشند. در شرایط کنونی دانشگاه‌های کشور هنوز چنین محتواهایی را در برنامه‌های درسی خود جای نداده‌اند. بنابراین بهزیستی از به کارگیری چنین متخصصانی محروم است.

راهکارهای بهبود مشارکت اجتماع محور در بهزیستی

همان‌طور که ملاحظه شد، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای زیادی پیش روی بهزیستی استان کرمانشاه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد برخی از آنها در حیطه اختیارات بهزیستی بوده و می‌تواند تغییراتی در آن ایجاد کند و برخی دیگر خارج از توان و اراده اداره کل بهزیستی استان است؛ برخی از این موارد در کوتاه مدت، برخی در میان مدت و برخی دیگر در بلندمدت قابل حل هستند. برخی از آنها با ساختارها و عملکردهای بهزیستی وابسته هستند و برخی دیگر نیازمند تعامل با سایر سازمان‌ها و نهادها است. بر مبنای نتایج، تجربیات موفق داخلی و خارجی و همچنین تجربیات تیم پژوهشی می‌توان مهم‌ترین پیشنهادات کاربردی برای ارتقاء مشارکت اجتماع محور در ساختار بهزیستی را به صورت زیر ارائه کرد:

مشارکتی کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری، اولویت‌گذار و اجرا درون ساختار بهزیستی: بدنه کارشناسی بهزیستی نیروی اصلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های مشارکتی هستند. این بدنه به علت ارتباط نزدیک با سمن‌ها و اجتماعات محلی به شکل عینی‌تری با نیازها و مسائل اجتماع مواجه شده و آگاهی بیشتری نسبت به آن دارند. به نظر می‌رسد بهترین روش مشارکت دادن این افراد در تعیین اولویت‌ها، روش‌ها و شیوه‌های اجرا است. در هر صورت باید بتوان فرآیند از بالا به پایینی برای این برنامه‌ها در نظر گرفت. استفاده از ظرفیت‌های مشاوره‌ای و تجربیات این افراد می‌تواند نسخه شفابخشی در این زمینه باشد.

آموزش رویکردهای مشارکتی به کارکنان: بسیاری از کارکنان بهزیستی آگاهی چندانی از رویکردهای مشارکتی نداشته و برخی نیز اعتقادی به آن ندارند. به نظر می‌رسد یکی از اولین و اولویت‌دارترین برنامه‌ها، آشنایی کارکنان و مدیران بهزیستی با رویکردهای مشارکتی، مزیت‌های آن و شیوه‌های اجرای این برنامه‌های مشارکتی در سطوح

مختلف است. بخش مهمی از این دانش در نزد کارکنان و مدیران سابق و با تجربه سازمان است که باید این انتقال بین نسلی صورت بگیرد.

افزایش رضایت‌مندی کارکنان: نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که میزان رضایت شغلی به ویژه در بخش حقوق و مزایا در میان کارکنان بهزیستی و حتی سمن‌ها مطلوب نیست و تا رضایت شغلی بالا نرود، برنامه‌های مشارکتی موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

ارتقای برندینگ بهزیستی: بهزیستی به عنوان یک نهاد آموزشی و خدماتی نیاز مبرمی به برندینگ اجتماعی دارد تا هم بتواند فعالیت‌ها و خدمات خود را به کل جامعه معرفی کرده و هم اینکه اعتماد آنها نسبت به بهزیستی را افزایش دهد. افزایش اعتماد کلید و الزام اصلی دعوت مردم به مشارکت در فعالیت‌هایی است که به خود آنها مرتبط می‌شود. در حال حاضر در بهزیستی فعالیت‌های زیادی انجام می‌شود، اما متأسفانه بازنمایی مناسبی ندارد. سایت سازمان از کیفیت مناسبی برخوردار نیست و نمی‌تواند از ظرفیت‌های رسانه‌ای متعدد استفاده بهینه کند. وضعیت برندینگ بهزیستی در سطح محلات نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. این برندینگ همچنین باید جایگاه بهزیستی در میان سایر نهادها را ارتقاء دهد.

استفاده از رویکردهای نوین برای جلب مشارکت: رویکردهای جدید به ویژه با استفاده از رسانه‌های نوین هم توان مشارکتی افراد را افزایش می‌دهد و هم اینکه می‌تواند اقناع عمومی برای یک مسأله را ایجاد کند. امروزه در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی روش‌های اثرگذار و موفق برای اجرای پیکارهای همگانی با مشارکت عمومی برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که ضرورت دارد بهزیستی از این رویکردها و تجربه‌ها استفاده کرده و آن را مطابق با نیازهای خویش بومی‌سازی کند.

رصد و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های مشارکتی: برنامه‌های مختلفی در سازمان بهزیستی اجرا می‌شود که بخش مهمی از آنها نیز مشارکتی است، اما ارزیابی چندانی از میزان موفقیت‌آمیز بودن آنها وجود ندارد. در این زمینه جای خالی پژوهش‌های کاربردی مثل پژوهش‌های ارزیابی اثربخشی و رصد برنامه‌های مشارکتی خالی است. این پژوهش‌ها می‌تواند وضعیت کنونی سازمان و یا برنامه‌ها را مشخص کرده و در ادامه می‌تواند به بهبود آن کمک کند.

همکاری و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها و نهادها برای هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری: نهادها و سازمان‌های زیادی در سطح استان وجود دارند که منابع مالی و ابزارهای مناسبی برای برنامه‌هایی در اختیار دارند که گاهی و حتی در بسیاری از موارد همپوشانی و موازی‌کاری در خدمات و برنامه‌ها رخ می‌دهد که حتی در مواردی منجر به کاهش اثربخشی برنامه‌های یکدیگر می‌شود. با در نظر گرفتن کمبود منابع برای بسیاری از برنامه‌ها و تقسیم منابع بین سازمان‌های مختلف، ابزارها و روش‌های موجود برای آنها، می‌توان با هم‌افزایی از هدررفتن بخشی از این منابع جلوگیری کرد. این هم‌افزایی در سطوح مدیریتی و با تعامل و تفاهم بین سازمان‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

حل موازی‌کاری درون ساختار و نهاد بهزیستی: درون سازمان بهزیستی نیز گاه بین بخش‌ها و معاونت‌ها موازی‌کاری‌هایی وجود دارد. هر چند ماهیت برخی مسائل و مسئولیت‌های بهزیستی چند بعدی بودن آن است، اما نیازمند هماهنگی بیشتر بین بخش‌ها و معاونت‌های مختلف خواهد بود. برای مثال هر چند معاونت مشارکت‌ها در سازمان بهزیستی وجود دارد، اما سایر معاونت‌ها و به ویژه معاونت پیشگیری رویکردی کاملاً مشارکتی دارد و نیازمند تعامل نزدیک بین این دو معاونت برای پیشبرد رویکردهای مشارکتی بدیهی به نظر می‌رسد.

تخصیص بودجه‌های خاص و ویژه برای استان کرمانشاه: متأسفانه حجم مسائل و آسیب‌های استان کرمانشاه بسیار بالا بوده و با برخی بودجه‌های جاری نمی‌توان امیدوار به حل این مسائل بود. رویکردهای مشارکتی هر چند در بسیاری از موارد می‌تواند و باید به کاهش هزینه‌ها کمک کند، اما در برخی موارد دیگر و در صورت برنامه‌های مستمر نیازمند بودجه‌های ویژه است که باید از سوی مرکز به استان تخصیص داده شود. چانه‌زنی، مذاکره با مدیران کشوری، گفتگو با مدیران استانداری و به ویژه نمایندگان استان می‌تواند به حل مسأله کمبود بودجه در این زمینه کمک کند.

تعامل با دانشگاه جهت تربیت نیروهای متخصص با رویکرد مشارکتی: همانطور که ملاحظه شد یکی از مهمترین مسائل مربوط به رویکردهای مشارکتی و حتی کارمندان، ضعف آگاهی و دانش و تخصص لازم در زمینه رویکردهای مشارکتی بوده است. بدیهی است که نیروهایی که استخدام می‌شوند باید دانش کافی در این زمینه را داشته باشند و این دانش باید در سطح دانشگاهی کسب شود. از سوی دیگر دانشگاه‌ها نیز به نظر می‌رسد چندان به این مسائل نپرداخته و مسائل و آسیب‌های اجتماعی و رویکردهای مشارکتی به میزان زیادی مغفول مانده است. تعامل با دانشگاه جهت ایجاد یک رویکرد مشترک بین این دو نهاد می‌تواند منجر به گنجاندن واحدهای درسی ویژه در سطح دانشگاه‌ها شود و تا حدی مسأله مربوط به تخصص کارکنان و تسهیلگران را حل کند.

حضور رسانه‌ای فعال‌تر: رسانه‌ها را باید به عنوان یکی از بال‌های اصلی در ترویج رویکردهای مشارکتی در نظر گرفت. حضور گسترده‌تر و البته تخصصی‌تر در رسانه‌ها جهت ایجاد گفت‌وگو و اولویت دادن به مسائل استان و همچنین معرفی رویکردهای مشارکتی و دعوت از مردم برای مشارکت در حل مسائل مربوط به خودشان می‌تواند اثرگذاری بالایی داشته باشد.

ایجاد معیارهای تخصصی برای جذب نیرو و ثبت سمن‌ها: مسأله جذب و اعطای مجوز به سمن‌ها نیز عمدتاً سلیقه‌ای بوده و در این مسیر کمتر تخصص مورد توجه قرار می‌گیرد. ساماندهی سمن‌ها و شیوه‌های جذب کارکنان از اهمیت زیادی برخوردار است که باید از برخورد جناحی و سیاسی با آن پرهیز شود.

فهرست منابع

- احقر، سیده مهسا، محمدی، محمدعلی (۱۳۹۴). شهروندان، حقوق شهروندی و مشارکت. کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری. <https://sid.ir/paper/>
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، ۹ (پیاپی ۱۷)، ۳-۳۱. <https://sid.ir/paper/>
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). شهر شهروند مدار. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۱ (۱۱۷-۱۱۸).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۷)، رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس برخی شاخص‌های آماری در سال ۱۳۸۵، استانداری آذربایجان غربی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۸)، رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس برخی شاخص‌های آماری در سال ۱۳۹۵، استانداری اصفهان.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۴۰۱)، احصاء تعیین‌کننده‌های استانی آسیب‌های اجتماعی شهرستان کرمانشاه، اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه.
- کوهن؛ جان. ام (۱۳۸۳) جایگاه مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه: داوود حیدری، نشریه آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۲۵-۴۴.
- مرادی، عیضا و افراسیابی، محمد صادق (۱۳۹۴) ارتباطات و توسعه، مرکز پژوهش‌های رسانه وزارت ارشاد اسلامی
- میرمحمدی، سیدسعید. (۱۳۹۴). حقوق شهری و مشارکت شهروندان، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.
- Gaber, J. (2020). Building “a ladder of citizen participation”: Sherry Arnstein, citizen participation, and model cities. In *Learning from Arnstein's Ladder* (pp. 13-34). Routledge.
- Hurlbert, M., & Gupta, J. (2015). The split ladder of participation: A diagnostic, strategic, and evaluation tool to assess when participation is necessary. *Environmental Science & Policy*, 50, 100-113.
- Thelma, C. C. (2024). Civic education and citizen participation in local governance: A case of Lusaka District, Zambia. *Journal homepage: www. ijrpr. com ISSN, 2582, 7421.*
- Varwell, S. (2022). A Literature Review of Arnstein’s Ladder of Citizen Participation: Lessons for contemporary student engagement. *Exchanges: The Interdisciplinary Research Journal*, 10 (1), 108-144.
- Douglos, P (1976), *Investigative social reaserch*, Beverly Hills, CA: sage.
- Web and et (1966), *un obtrusive measure: None reactive Research in social science*, Chicago: Rand MC Nally.